

طهارت روانی و بهداشت روانی

بهداشت روانی اخلاقی در اجتماع از منظر قرآن و حدیث

دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

مصطفی احمدی فر

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

در حالی که جهان با شتاب توصیف ناپذیری به سوی صنعتی شدن و جهانی عاری از دشواری و سختی و تحولات عمیق فن آوری در حال حرکت است، همچنان موضوع بیماریها و مشکلات روانی اخلاقی، موضوعی در خور توجه و نه چندان خشنود کننده به حساب می آید. از جمله بیماریهای روانی اخلاقی که دامنگیر جوامع شده، بیماریهای دهشتناک، نفاق و انحرافات جنسی است. این معضلات، کالبد و ریشه جوامع را هدف قرار داده و آشفتگی روانی و پریشان حالی را به دنبال خواهد داشت.

قرآن کریم و روایات در خصوص این موضوعات به لحاظ مبنایی و محتوایی از غنای والایی برخوردار است و در کاهش و از بین بردن فشارهای روانی اخلاقی و تامین بهداشت روانی اخلاقی افراد و اجتماع نقش بسزایی دارد. اسلام، راهکارها و سفارشهایی دارد که زمینه ساز بهداشت و سلامت اخلاقی اجتماع است؛ آن سان که فشارهای روانی اخلاقی مردم را از بین می برد و بهداشت روانی اخلاقی آنان را در این زمینه تقویت و یا تامین می کند. از جمله مطالب یاد شده در این باره می توان از، واکاوی بیماری نفاق و انحرافات جنسی به عنوان مهمترین بیماریهای روانی اخلاقی، پیامدهای آنان در اجتماع و راهکارهای اسلام برای مقابله با این گونه بیماریها، نام برد.

کلید واژه‌ها: بهداشت روان، اخلاق، اجتماع، نفاق، انحرافات جنسی، قرآن، حدیث.

مقدمه:

درمیان مشکلات و معضلات متعدّد این عصر، شکل روابط ناهنجار و فساد اخلاقی، یکی از مسائلی است که آرامش روانی افراد را با چالش مواجه ساخته است. بسیاری از جوامع در قرن حاضر، دچار بحران اخلاقی شده‌اند؛ بحرانی که روز به روز بر عمق آن افزوده می‌شود و دورنمای تداوم حیات اخلاقی سالم و آرامش روح و روان آنان را به مخاطره می‌اندازد.

تمدّن جدید و برخی کشورها، الگوی بسیاری از ملت‌ها حتی در کنار گذاشتن اخلاق و روی آوردن به مسائل غیر اخلاقی شده‌اند و جداسدن از اخلاق تا آنجا پیش رفته است که دیگر خوب‌بود و رفتار مناسب از نامناسب شناخته نمی‌شود. هزینه‌ها و آثار این روندها کاملاً هشداردهنده هستند و آینده‌ای نه‌چندان خوشنودکننده، ترسیم می‌کنند؛ آینده‌ای که در آن آرامش روانی افراد و جوامع کاملاً از بین رفته و جای خود را به آشفتگی روحی داده است و جوانان، خانواده‌ها، اجتماع و ... در فساد غوطه‌ور شده‌اند و در چنین شرایطی پیام خدا برای بازگشت به سلامتی و کسب قدرت اجتماعی، توبه است.

دین مبین اسلام، از دیر باز این معضل را پیش بینی کرده و ضمن تشریح علل آرامش روحی و روانی، راهکارهایی برای پاسخ به این نیاز اساسی بشر ارائه داده است تا جوامع بشری در برابر فشارهای روانی اخلاقی دچار آشفتگی نگشته و افراد انسجام شخصیتی و بهداشت روانی اخلاقی خود را حفظ کنند.



ادبیات تحقیق:

(الف) مفهوم شناسی:

مفهوم شناسی بهداشت روان:

سازمان جهانی بهداشت (World Health Organization)، بهداشت روانی را چنین تعریف می‌نماید: «بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت جای می‌گیرد و بهداشت یعنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی، بهداشت تنها نبود بیماری یا عقب ماندگی نیست». فرهنگ روانشناسی لاروس، بهداشت روانی را چنین تعریف می‌کند:

«استعداد روان برای هماهنگی، خوشایند و موثر کارکردن، برای موقعیت‌های دشوار انعطاف پذیر بودن و برای بازیابی تعادل خود، توانایی داشتن»

اما در گستره وسیع‌تر، بهداشت روانی عبارت است از آگاهی به عوامل معنوی و مادی و انگیزه‌هایی که سلامت فکر و وضع مثبت و اعتدال رفتار و کردار را سبب می‌شود که بدان وسیله سازو کار با ارزشی درمورد تحرک و پیشرفت معنوی و مادی انسان در همه زمینه‌ها فراهم آید.^۱

تعاریف یادشده پیرامون بهداشت روان، از جهات متعدد قابل نقد و بررسی و اضافات است؛ چراکه این تعاریف جامع افراد نیست. تعریفی که به نظر نگارنده، جامع و کامل است بدین شرح است: «بهداشت روان، اصول، قواعد و روشهایی است که در طی چهار مرحله، فرد را از آشفتگی و پریشان حالی می‌رهاند و آرامش روحی، روانی و انسجام شخصیتی را برای افراد به ارمغان می‌آورد. آن چهار مرحله بدین ترتیب است: مرحله اول: تامین، ایجاد و حفظ؛ این مرحله بیشتر به جنبه‌های بهداشتی اشاره دارد. برای ایجاد عوامل سلامتی و پیشگیری تلاش می‌کند؛ چراکه پیشگیری مقدم بر درمان است. مرحله دوم: تعادل؛ بعد از سپری کردن مرحله اول، فرد باید به دنبال تعادل شخصیتی و



روانی باشد. مرحله سوم: مهمترین مرحله در رسیدن به هدف، مرحله سوم است. در این مرحله شخص باید عواملی که منجر به آرامش روانی می‌شود به عبارت دیگر، ماحصل مراحل قبل را در خود تقویت نماید. مرحله چهارم: تکامل: آخرین مرحله، تکامل است و آن سیر حرکت تکاملی است برای رسیدن به تکامل نفس. فرد در این بخش به ویژگیهای نهان شخصیتی خویش پی می‌برد و با درمان بیماریها و کاستیهای نفسانی خویش، به مرحله کمال و انسجام نائل می‌گردد»

۲. مفهوم شناسی بهداشت روانی اخلاقی:

تعریف مستقلی از بهداشت روانی اخلاقی در دست نیست و شاید این عنوان برای اولین بار مطرح می‌شود؛ ولی با توجه به بررسی‌ها و پژوهشها، بهداشت روانی اخلاقی را می‌توان چنین تعریف نمود: «بهداشت روانی اخلاقی در اجتماع، به معنای سلامت فکری اخلاقی جامعه است و منظور نشان دادن وضع مثبت، صحیح و سلامت روانی اخلاقی جامعه است که می‌تواند به تکامل فردی، کمک نماید»

ب) پیشینه و تاریخچه بهداشت روانی اخلاقی:

بررسی تاریخچه و پیشینه بهداشت روان، اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به موضوع بهداشت روان در پژوهشها روشن نموده و علاوه بر تبیین پیشرفتها، مشکلات و اولویتهای فعلی بهداشت روانی جوامع را مشخص می‌نماید. در این موضوع، محققان در حوزه علوم اسلامی تحقیقاتی به صورت پراکنده یا در برخی عناوین و مفاهیم بهداشت روانی ارائه کرده‌اند. در بین کتابها و پایان‌نامه‌هایی که نگارنده به آن دست پیدا کرده است، می‌توان به عنوان نمونه منابع ذیل نام برد: ۱. بهداشت روانی (بررسی مقدماتی اصول بهداشت روانی، روان درمانی و برنامه‌ریزی در مکتب اسلام)، دکتر سید ابوالقاسم حسینی، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۹؛ ۲. آرامش روانی و مذهب، دکتر صفدر



صانعی، انتشارات کنکاش، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۱؛ ۳. بهداشت روان در اسلام، دکتر سیدمهدی صانعی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱، نوبت اول؛ ۴. قرآن و بهداشت روان، دکتر احمد صادقیان، قم: المهدی، ۱۳۸۶، نوبت اول و...
تالیفات مزبور هر کدام به برخی مسائل مربوط به بهداشت روانی از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته‌اند؛ اما اثر مستقلی با عنوان بهداشت روانی اخلاقی، نگاشته نشده است؛ ولی در برخی از منابع یاد شده، بهداشت روانی اخلاقی، به صورت غیر مستقیم اشاره شده است. در این تحقیق تلاش نمودیم موضوع بهداشت روانی اخلاقی را از دیدگاه قرآن و روایات بررسی کنیم و گامی به سوی ارائه یک دیدگاه کامل از بهداشت روانی با توجه به روایات، برداریم.

بیماری روانی اخلاقی در اجتماع:

الف) نفاق و دورویی و پیامدهای آن در گستره اجتماع: یکی از مهمترین بیماریهای اخلاقی در عرصه اجتماع، صفت «نفاق» است. به گونه‌ای که به طور پنهان در تمام زوایای جوامع انسانی ریشه دوانده و زندگی سالم و صلح آمیز بشر را با فتنه و آشوب همراه کرده است. نفاق، آفتی خانمان سوز است که به تدریج در دایره دین و اجتماع نفوذ کرده و ضربات کشنده‌ای را بر بدنه معنوی جامعه وارد می‌سازد و باعث می‌شود که جامعه سیر نزولی و قهقهرائی داشته باشد. توجه قرآن به مسئله نفاق و منافقان تا آنجاست که سوره‌ای مستقل را با نام و درباره آنان نازل فرموده است و شاید شدیدترین لحنی که در قرآن کریم وجود دارد، در مساله نفاق و منافقان باشد. نفاق از دو بعد قابل بررسی است: الف) بعد اعتقادی ب) بعد اخلاقی. این مقاله نفاق را به عنوان بیماری اخلاقی بررسی می‌کند.

نفاق در کاربرد اسلامی به معنای تظاهر به اسلام و ایمان و پنهان داشتن کفر است، از این رو در تعاریف اصطلاحی آن گفته شده است که نفاق در برابر ایمان و به معنای عدم اعتقاد به حق است.^۲ بیماری روانی اخلاقی نفاق، آثار و پیامدهایی متعددی بر جامعه تحمیل می‌کند، برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱. ترویج فساد و خود کامگی:

فساد و خودکامگی از پیامدهای مهم نفاق در عرصه اجتماع است. کسانی که تخم نفاق در قلبشان جای گرفته است به مقتضای نفاقتشان، فساد و خودکامگی را در جامعه ترویج می‌دهند. اینان کسانی هستند که با اعمالشان قصد فریب خداوند متعال را دارند^۳ و این به خاطر مرضی است که در دل دارند. در طبیعت آنان، آفت و مرض و در عقلشان، انحراف وجود دارد و همین مرض قلبی منجر به فزونی فساد و خودکامگی آنان گشته و بدین سبب روز به روز بر شکشان افزوده می‌شود و این انحراف و فساد منجر به سرنوشت نهایی آنان، یعنی وصول به درکات جهنم خواهد گردید^۴ اینان برای آنکه خودکامگی و فسادشان را توجیه کنند، ادله واهی می‌آورند و آنقدر بر این دلایل پافشاری می‌کنند که خودشان آنان را باور می‌کنند و بدانها اعتقاد و ایمان می‌آورند.^۵

خودکامگی و لجاجت، سدی در مقابل معرفت صحیح و باور رای ثواب است^۶ و کسی که هدفش باطل شد، حق را درک نخواهد کرد اگر چه روشنتر از آفتاب باشد^۷ قرآن کریم به این ویژگی و خصیصه آنان اشارتی دارد: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ و هنگامی که روی برمی‌تابد [یا به حکومت می‌رسد] در زمین کوشش می‌کند تا در آن فساد کند، و زراعت و نسل را نابود می‌سازد و خدا تباہکاری را دوست نمی‌دارد.^۸



حسنا، فصلنامه تخصصی تفسیر علوم قرآن و حدیث

کارشکنی، ستیزه‌گری، خیانت و توطئه:

سابقه اینگونه خیانتها و کارشکنیها بسیار طولانی است چه در عصر پیامبر و چه بعد از آن، همواره این روش و شگرد ننگین، وجود داشته و منافقین آن را دستمایه‌ای برای رسیدن به اهداف شوم خود قرار داده‌اند. قرآن کریم، اینگونه اعمال منافقین را محکوم می‌کند و می‌فرماید: ﴿كَلَّا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلِيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (نور: ۶۳) فراخوان فرستاده (خدا) را در میان خودتان همانند فراخوان برخی شما برخی [دیگر] را قرار ندهید که یقیناً خدا می‌داند کسانی را که از میان شما مخفیانه بیرون می‌روند. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید بر حذر باشند که (بلا و) فتنه‌ای به آنان در رسد، یا عذاب دردناکی به آنان برسد.

۳. شایعه‌سازی و جنگ روانی:

انتشار شایعات دروغین و آکنده ساختن جامعه از تهمت‌ها و دروغها، از دیگر پیامهای حضور پدیده نفاق و دورویی در جامعه است.^۹ منافقین در شرایط حساس و سرنوشت ساز جامعه، سعی دارند با انتشار شایعات دلهره آور، رعب و وحشتی در میان مردم ایجاد کنند به عنوان نمونه، در شرایط حساس جنگ احد در صدر اسلام، منافقین شروع به پخش شایعه کشته شدن پیامبر نمودند تا بدین وسیله روحیه مسلمانان را در این موقعیت حساس تضعیف و فضایی آکنده از ترس و ناامیدی در بین مسلمین ایجاد نمایند.^{۱۰}

هدف اصلی منافقین براندازی اسلام است. قرآن کریم آنان را از این کار بر حذر می‌دارد^{۱۱} و خواستار سرکوب منافقین است: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ ﴿مَلْعُونِينَ



أَيَّمَا تُقِفُوا أَخْذُوا وَقْتَلُوا تَقْتِيلًا ﴿٦٢﴾ ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (احزاب: ۶۲-۶۰)؛ اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان (نوعی) بیماری است و شایعه پراکنان اضطراب‌انگیز در مدینه، به آن (کارها) پایان ندهند، قطعاً تو را بر آنان مسلط می‌گردانیم، سپس جز اندکی در این (شهر) همسایه تو نخواهند بود در حالی که طرد شده‌اند، هر کجا یافته شوند دستگیر گردند و به سختی کشته شوند. (این) روش خداست در مورد کسانی که پیش از (این) گذشتند و هیچ تغییری برای روش (و قانون) خدا نخواهی یافت.

کلمه «انتها» به معنای امتناع و ترک کردن عمل است و کلمه «مرجفون» جمع اسم فاعل از ارجاف است و ارجاف به معنای اشاعه باطل است که در سایه آن استفاده نامشروع برده می‌شود. کلمه «لنغریبنک» از اغراء به معنای تحریک به انجام عملی است. پس آیه چنین معنا می‌گردد: سوگند می‌خورم، اگر منافقین و بیماردلان دست از فساد انگیزی برندارند و اخبار و شایعات دروغ در بین مردم پراکنده سازند و در بین مسلمانان دلهره و اضطراب پدید آورند، تو را مامور می‌سازیم تا علیه ایشان قیام کنی و نگذاری در مدینه در کنار توو مسلمین زندگی کنند، بلکه آنان را از این شهر بیرون کن و مدت کمی به آنان مهلت ده! و منظور از این مدت کم، فاصله بین مامور شدن و انجام دادن ماموریت است.

خداوند متعال در ادامه آیه این چنین می‌فرماید: این عذاب و نکالی که به منافقین وعده دادیم، سنتی است از خداوند در امت‌های پیشین جاری ساخته و هرگاه قومی منجر به فتنه و فساد گردیدند تا بدین طریق استفاده‌های نامشروعی ببرند و در بین مردم اضطراب و دلهره بیفکنند، چنین عذابی شامل آنان نیز می‌گردد.^{۱۲}



۴. شبهه افکنی:

کسانی که نفاق در قلبشان جای گرفته، همواره بر آن بودند که در میان مسلمین شبهاتی پراکنده کنند تا بدین طریق، اعتقادات مسلمانان را ضعیف و به مراد خویش دست یابند. منافقین در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این ترفند بهره‌ها بردند. آنان در آستانه جنگ بدر، برای باز داشتن مسلمانان از شرکت در جنگ، وعده‌های پیروزی خداوند به مسلمین را پوشالی و فریب معرفی می‌نمودند^{۱۳} و یا در جنگ خندق، هنگام حفر خندق، مسلمانان با صخره عظیمی روبه‌رو شدند. در این حال، منافقین به مسلمانان گفتند: آیا از آرزوها و وعده‌های باطلی که محمد به شما می‌دهد تعجب نمی‌کنید؟! به گوش شما می‌گوید از مدینه، قصرهای حیره، مدائن و کسری را می‌بیند و بزودی آن قصرها به دست شما فتح می‌شود در حالی که شما خندق را حفر می‌کنید و قدرت ندارید خود را ظاهر سازید^{۱۴} و یا در جنگ احد، در حالی که مسلمانان بر کشته‌های خود می‌گریستند، منافقین از این فرصت به نحو کامل استفاده نمودند و بالقاء شبهات، شک و تردیدی در قلوب مسلمانان نسبت به حقانیت مذهب و عقیده آنها بر می‌انگیختند. منافقان همراه یهودیان مدینه می‌گفتند: اگر محمد نبی بود، مغلوب نمی‌گشت و اینگونه وی و یارانش دچار شکست نمی‌شدند. اگر با ما بودند، اینگونه کشته نمی‌شدند.^{۱۵}

بیشتر شبهات منافقین، پیرامون ضروریات دین از قبیل توحید، نبوت، عدل و حتی برخی با وجود ادله مختلف بر آسمانی بودن قرآن و تدوین کامل آن در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله^{۱۶} شبهاتی را پیرامون بشری بودن قرآن و یا نقص آن و شبهاتی از این قبیل مطرح می‌کنند. چراکه خلل وارد نمودن در ضروریات دین، تزلزل اعتقادات و تضعیف ایمان مومنان را به دنبال دارد.



ب) انحرافات جنسی:

در میان مشکلات و معضلات متعدّد این عصر، شکل روابط ناهنجار و فساد جنسی یکی از مسائلی است که آرامش روانی افراد را با چالش مواجه ساخته است. بسیاری از جوامع در قرن حاضر، دچار بحران جنسی شده‌اند؛ بحرانی که روز به روز بر عمق آن افزوده می‌شود و دورنمای تداوم نسل بشر و حیات جنسی سالم و از همه مهم‌تر آرامش روح و روان آنان را به مخاطره می‌اندازد.

اکنون با وجود پیشرفتهای بشری، وقتی جامعه در برابر موضوعاتی مانند مسائل جنسی قرار می‌گیرد، جوامع راه صحیح از ناصحیح را باز نمی‌شناسانند. جوامع، نیازمند به بازشناسی رفتار جنسی مناسب و صحیح از رفتار جنسی نامناسب و غیر صحیح از منظر خداوند و تعالیم آسمانی و دینی نیازمند است. مکتب‌ها و نظام‌های مختلف به تناسب وسعت یا محدودیت خود، تعالیم و دیدگاه‌هایی را نسبت به اخلاق و عادات جنسی عرضه می‌کنند. از آنجاکه دین اسلام را آخرین و کامل‌ترین ادیان می‌دانیم^{۱۷} توجه به تعالیم حیات‌بخش اسلام می‌تواند بشر را برای نجات از این منجلاب مدد رساند؛ زیرا اسلام برای حفاظت و کنترل یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های وجود آدمی، یعنی غریزه جنسی (Sexualinstinet) نیز برنامه‌هایی دارد.

۱. مهمترین زمینه‌ها و بسترهای بروز انحراف جنسی:

انحرافات جنسی، زمینه‌ها و بسترهای بروز فراوانی دارند:

- ویژگیهای مزاجی - اخلاقی و رفتارهای ناصواب والدین در محیط خانواده:

همانطور که فرزندان در قبال والدین حقوقی دارند^{۱۸} والدین نیز از بدو تولد، نسبت به فرزندان حقوقی دارند. فرد از کودکی در کنار والدین خود به سر می‌برد و از این رو، رفتار آنها نقش به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت او دارد. اگر والدین در رفتار جنسی خصوصیات اخلاقی و مزاجی نامناسبی داشته باشند، بر فرزندان آنها اثر می‌گذارد و



در آنها زمینه ناهنجاری به وجود می‌آورد، حتی کجرویهای جنسی از راه شیر دادن نیز منتقل می‌شود چراکه کودک دوست دارد کارهایی که بزرگترها به خصوص والدین انجام می‌دهند را تکرار نماید. از این جهت اگر والدین به جنبه آموزشی رفتار خود توجه نکنند و هر کاری را مقابل چشمان فرزندان خود انجام دهند راه خطا را پیموده‌اند. اسلام توجه خاصی به این مسئله نموده و توصیه‌های گوناگون و مفیدی ارائه کرده است.

- عوامل محیطی؛ معاشرت‌ها و مصاحبت‌ها:

عوامل انحرافات جنسی متعدّد و متنوع است و نمی‌توان آنها را در یک یا دو عامل خلاصه کرد. بر این اساس است که در بیشتر پژوهش‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، محیط فاسد و روش‌های غلط تربیتی را عامل مشترک انحراف جنسی دانسته‌اند؛ چراکه محیط فاسد و تربیت ناصحیح، در واقع دربردارنده شماری دیگر از عوامل دخیل در انحراف جنسی هستند که روی هم رفته فضای مناسبی برای فعلیت یافتن انحرافات جنسی در افراد فراهم می‌کنند.

معاشرت و همنشینی زن و مرد با هم زمینه لغزش و انحراف جنسی را فراهم می‌کند؛ چراکه این‌گونه معاشرت‌ها زمینه هم‌سخن شدن را فراهم کرده و موجب از بین رفتن حیا و شرم می‌شود. حضرت علی علیه السلام اینگونه معاشرت‌ها را سرزنش نموده و فرموده‌اند: «مردان را چه شده است که پیوسته یکی از آنها نزد زنی که شوهرش به جنگ رفته می‌نشیند و با او حرف می‌زند؛ او هم با آن مرد حرف می‌زند. بر شما باد به اینکه از پشت پرده با آنها صحبت کنید. همانا این کار عفت است»^{۱۹}

با توجه به اینگونه مسائل است که حضرت، به مردم درباره زن‌ها هشدار می‌دهند که: «از زنان شرور بپرهیزید و از خوبان آنها برحذر باشید و در خوبی‌ها از آنها اطاعت نکنید که درباره بدی‌ها نسبت به شما به طمع بیفتند»^{۲۰}



- نقش ادراکات حسّی در تحریک میل جنسی:

بخش وسیعی از نگرش‌ها و گرایش‌های انسان، تحت تأثیر ادراکات حسّی او شکل می‌گیرد و هر چه از عقل و فکر، کمتر بهره‌برداری شود، سهم حواس در این زمینه بیشتر خواهد شد. در واقع محسوسات، اعمّ از دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، بویدنی‌ها، لمس‌کردنی‌ها و چشیدنی‌ها، مجرای ورود بیشتر ادراکات هستند. اگر قوه عاقله بر انسان حاکم باشد از تأثیرگذاری زیاد محسوسات جلوگیری می‌کند و اگر قوه عاقله ضعیف و بی‌جان باشد و قوه مخیله بر آنها اثر گذارد، نگرش‌ها و گرایش‌هایی که معمولاً سطحی‌اند و خیر و صلاح دائمی فرد در آنها لحاظ نشده شکل می‌گیرند.

۲. مهمترین آثار و پیامدهای انحرافات جنسی در جامعه:

- گسترش همجنس‌گرایی و فرجام آن:

در جای جای قرآن کریم، این عمل ننگین مورد نکوهش قرار گرفته و همگان را از آن برحذر داشته و به ارضای غریزه جنسی از راه مشروع (ازدواج)، دعوت نموده است. در قرآن مجید در سوره‌های اعراف، هود، حجر، انبیاء، نمل و عنکبوت اشاراتی به وضع قوم لوط و گناه شنیع آنها (همجنس‌گرایی) شده است، منتهی در هر کدام از این سوره‌ها تعبیر متفاوت است، در حقیقت هر کدام از این تعبیرات به یکی از ابعاد شوم این عمل ننگین اشاره می‌کند:

در اعراف می‌خوانیم که لوط به آنها می‌گوید: ﴿بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ؛ شما جمعیتی اسراف‌کارید﴾ (اعراف: ۸۱) در سوره انبیاء می‌خوانیم: ﴿وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ﴾ (انبیاء: ۷۴)؛ ما لوط را از قریه‌ای که "خبائث" انجام می‌داد رهایی بخشیدیم، آنها قوم بد و فاسقی بودند و در آیه مورد بحث نیز خواندیم که لوط به آنها می‌گوید: ﴿بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ﴾؛ شما جمعیت تجاوزگری



هستید و در سوره نمل آمده است: ﴿بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (نمل: ۵۵)؛ شما قومی جاهل و نادانید و در سوره عنکبوت آیه ۲۹ از زبان لوط چنین آمده است که به آنها می‌گوید: ﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ﴾ (عنکبوت: ۲۹)؛ شما به سراغ مردان می‌روید و راه فطرت و نسل انسان را قطع می‌کنید به این ترتیب این عمل زشت تحت عنوان "اسراف"، "خبیث"، "فسق"، "تجاوز"، "جهل" و "قطع سبیل" مطرح شده است. همانطور که در بحث قبل گذشت، همجنس‌گرایی نتایج و اثرات منفی در روح و روان افراد و جوامع می‌گذارد و این نکته در خور توجه است که قرآن و احادیث از دیر باز این معضل را پیش‌بینی نموده‌اند و فرجام شومی را برای چنین جوامعی رقم زده‌اند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لا یجد ریح الجنة زنوق، و هو المخنث!» "بوی بهشت به مشام کسی که مورد همجنس‌گرایی واقع می‌شود نخواهد رسید" ^{۲۱} و در حدیث دیگری از حضرت علی می‌خوانیم که لواط را در سر حد کفر معرفی فرموده است. ^{۲۲}

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره فلسفه تحریم همجنس‌گرایی فرمود:

«علة تحریم الذکران للذکران، و الاناث للاناث، لما ركب فی الاناث و ما طبع علیه الذکران، و لما فی اتیان الذکران، الذکران و الاناث للاناث، من انقطاع النسل، و فساد التدبیر، و خراب الدنیا!» "فلسفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنان این است که این امر بر خلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده (و مخالفت با این ساختمان فطری و طبیعی، سبب انحراف روح و جسم انسان خواهد شد) و به خاطر این است که اگر مردان و زنان همجنس‌گرا شوند، نسل بشر قطع می‌گردد و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می‌گراید و دنیا به ویرانی می‌کشد" ^{۲۳}

این مساله تا به آنجا از دیدگاه اسلام زشت و ننگین است که این دسته از افراد را از غضب شدگان الهی می‌شمردند ^{۲۴} و در ابواب حدود اسلامی حد آن بدون شک اعدام



شمرده شده است و حتی برای کسانی که مراحل پائین تر همجنس‌گرایی را انجام می‌دهند مجازاتهای شدیدی ذکر شده، از جمله در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

«من قبل غلاما من شهوة أجمه الله يوم القيامة بلجام من نار؛ کسی که پسری را از روی شهوت ببوسد خداوند در روز قیامت لجامی از آتش بر دهان او می‌زند»^{۲۵}

قرآن کریم سرانجام داستان لوط را که قومی همجنس‌گرا بودند، عاقبتی شوم معرفی می‌کند و چون عذاب باید تناسبی با نحوه گناه داشته باشد از آنجا که این قوم در طریق انحراف جنسی همه چیز را دگرگون ساختند، خداوند نیز شهرهای آنها را زیر و رو کرد و از آنجا که بارانی از سخنان رکیک به طور مداوم بر هم می‌ریختند، خداوند هم بارانی از سنگ بر سر آنان فرو ریخت.

- خود ارضایی (استمناء) و آسیب‌های جنسی در قشر نوجوانان:

از جمله تحولات قابل توجه در دروه نوجوانی و بلوغ،^{۲۶} بیداری غریزه جنسی و ظهور تمایلات جنسی و شهوانی است که گاهی نوجوانان را با مشکل مواجه می‌سازد.^{۲۷}

قوای جنسی از استعدادهای فطری بشر است که بر اساس آن می‌توان تشکیل کانون خانواده و ادامه نسل انسان را پی ریزی کرد تالذتی ارزشمند از این طریق نصیب انسان شود؛ اما اگر این استعداد و توانایی در مسیر انحرافی و خارج از چارچوب دستور عقل و وحی قرار گیرد، انسان را به سوی هلاکت معنوی و مادی می‌کشاند و از ارزشهای انسانی دور می‌کند و در دام بیماری‌های روانی جنسی گرفتار می‌سازد.

افراد خود ارضا علاوه بر گرایش به بی بند و باری جنسی، به بی عفتی نیز تمایل پیدا می‌کنند؛ بی عاطفه و کم رو و خجل هستند؛ صفای دل و نورانیت معنوی کمتری دارند؛ به مجالس دعا و توسل علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و تاریکی و ظلمت آنها را احاطه کرده است و اوقات خود را بیشتر با کارهای بیهوده سپری می‌کنند.^{۲۸}



برخی از روانشناسان خود ارضایی را «مرض تنهایی» نام نهاده‌اند^{۲۹} «تنهایی» به مفهوم ضعیف شدن ارتباطات اجتماعی و محروم شدن از روابط گرم و عاطفی با دیگران است که اگر ادامه داشته باشد روح نوجوان را ضعیف و حساس می‌کند و نیروی اراده او را به تحلیل می‌برد و علائق نوجوان و لذتهای او را از اجتماع زایل می‌گرداند. در نتیجه، نوجوان در تنهایی و خلوت خود، اقدام به کسب لذت از خویشتن می‌کند و به خود ارضایی روی می‌آورد و با توجه به اینکه مقبولیت و محبوبیت فرد در اجتماع برای او اهمیت فراوانی دارد؛^{۳۰} اما او همیشه فردی منزوی و طرد شده از جامعه باقی می‌ماند. چراکه او به خود تلقینات منفی می‌کند و با وجود این از همه چیز هراس دارد.^{۳۱}

در بعد دیگر، خود ارضا، احساس گریز از اجتماع پدید می‌آورد که در اثر افراط و تکرار این عمل ناپسند، این احساس ریشه دار خواهد شد.

خود ارضا در گوشه‌ای منزوی، به افکار دور و دراز می‌پردازد. توجه به لذات شخصی و خیالی، سبب سستی روابط اجتماعی می‌گردد و حیات جمعی و با دیگران بودن را دچار مخاطره می‌سازد.

در نتیجه، وقتی در عرصه اجتماعی وارد می‌شود وبا مردم جوشش کمتر دارد و از حضور در کنار دیگران لذت نمی‌برد. بدین روی، شخصیت اجتماعی و انسانی چنین افرادی به تدریج متزلزل می‌شود و جامعه نیز از وجود نیروی جوان و خلاق محروم می‌ماند و در دراز مدت، این ویژگیها موجب اختلال در ارتباط آنان با خانواده و اجتماع می‌گردد.

از سوی دیگر، خود ارضایی مکرر موجب تحریک بیش از حد دستگاه عصبی «پاراسمپاتیک» و افزایش تخلیه «استیل کولین» از انتهای این رشته‌ها در مغز می‌گردد و این خود موجب برخی عوارض جسمانی و روانی همچون حواس پرتی، کمی حافظه، سیاهی رفتن چشم و در نهایت تاری دید می‌شود. تمام این نشانه‌ها ناشی از تغییر



تعادل میزان مواد شیمیایی موجود در مغز است که بین سلولهای عصبی رد و بدل می-
شود و انتقال پیام‌های گوناگون را بر عهده دارد.^{۳۲}

راهکارهای تامین بهداشت روانی اخلاقی در اجتماع:

قرآن کریم و روایات، راهکارهایی جهت درمان بیماریهای روانی اخلاقی در اجتماع،
بیان نموده است.

الف) راهکارهای درمان نفاق و دورویی:

۱. مقابله با دوچهرگان (منافقین):

موثرترین راه درمان بیماری نفاق در عرصه اجتماع، مقابله با منافقین است چراکه اینان
با پاشیدن بذر نفاق در جامعه، سعی دارند فضای اجتماع را فضای ملتهب جلوه دهند و
آشفته‌گی روانی را در جامعه تزریق نمایند. گرچه اهل نفاق، مستحق عذاب دنیوی^{۳۳} و
آخروی^{۳۴} هستند؛ ولی اگر اهل نفاق، دشمنی و عداوت خود را ظاهر سازند و علیه
مسلمانان، آشکارا به جنگ و مبارزه پردازند، حکم بغات و محاربان را دارند و این
حکم شامل تمام طاغیان و فاسدینی که در جامعه اسلامی رعب و وحشت ایجاد می-
کنند، نیز می‌شود.

مجازات شرعی آنان به تشخیص حاکم و رهبر حکوت اسلامی به میزان جنایت آنان،
شامل حالشان گشته و با اجازه حاکم شرع اجرا می‌گردد. میزان حد، نوع جنایت،
چگونگی ثبوت جنایت و میزان ترس و وحشتی که باعث اجرای حد می‌گردد، در
کتابهای فقهی بیان شده است. خداوند متعال در سوره مائده قیام مسلحانه و آشکار
منافقین را که منجر به ناامنی و تشویش اوضاع جامعه می‌شود را محکوم می‌کند و می-
فرماید:



﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (مائده: ۳۳)؛ سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت. اگر منافقین دشمنی و عداوت خود را آشکار نکرده و به صورت پنهانی به کارشکنی، جاسوسی و ترویج فساد و فتنه مشغول باشند، از اجرای برخی احکام و حدود شرعی محفوظ می‌مانند.

مسلمانان باید به گونه‌ای با آنان رفتار نمایند که منافقین در میان اجتماع، خوار و ذلیل گردند تا زمینه‌های فتنه‌گری و فساد آنان از بین برود. همچنین آگاهان و قدرتمندان باید چهره کثیف و روباه صفتانه آنان را آشکار و مردم را از مقاصد شوم و پلیدشان آگاه سازند و برنامه مراقبت و احتیاط که همان برنامه قرآن و پیامبر در برابر منافقین است را به کار بندند. البته ناگفته پیداست که مردم در انجام وظایفشان باید با بزرگان و اندیشه‌وران مشورت نمایند و کاری را که به صلاح جامعه است، انجام دهند چراکه برخورد عاطفی و غیر مسئولانه، پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت.

همانطور که ذکر شد، معالجه نفاق گاهی به دست عامل خارجی و تسکین درد به عهده حکومت است و آنان با اجرای حدود شرعی در قبال نفاق آشکار که به طور علنی و در مقابل انظار مردم قرار می‌گیرد با این بیماری مقابله می‌کنند؛ ولی در نوع دوم درمان، هوشیاری و مراقبت همه جانبه مردم را طلب می‌کند که منافق را از صحنه فعالیت، خارج و او را با رسوایی تسلیم و شکست روبرو سازند.^{۳۵}



درمان نوع دیگری از نفاق، به خود شخص مبتلا برمی گردد. این عوامل، گرچه دشوار و نیازمند تمرین، ممارست و ریاضت است؛ اما اگر انسان به عواقب سوء نفاق، نیک بیندیشد در خواهد یافت که هم باعث رنج و زحمت و هلاکت خویش می‌گردد، هم موجبات ضرر و زیان دیگران را فراهم می‌آورد و هم خود را در دنیا به حزن و غم و سرگردانی مبتلا می‌سازد و آخرت خویش را از دست می‌دهد، همچنین موجبات خشم خداوند را فراهم می‌کند.

۲. مبارزه با طبقه گرایي و اشرافیت بر پایه اصالت زور و زر:

یکی از مهمترین زمینه‌های پرورش نفاق در اجتماع، طبقه‌گرایی و اشرافیت است. منافقین برای در دست داشتن قدرت، ثروت و اشرافیت بر دیگر طبقات، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند و به کسی اجازه ورود به این باند قدرت و ثروت را نمی‌دهند تا بدین وسیله خود را همیشه عزیز و مومنان را ذلیل بدانند.

برای مبارزه با طبقه‌گرایی و اشرافیت بر پایه اصالت زور و زر، باید اقداماتی انجام گیرد. ابتدا باید طرز تفکر خود برتر بینی منافقان که ناشی از غرور و تکبر از یک سو و گمان به استقلال در برابر خداوند متعال از سوی دیگر است، اصلاح گردد. از این رو لازم است نگاهی به صدر اسلام بیفکنیم آنگاه که منافقین دارای قدرت و ثروت بودند و با تمام کارشکنیها و توطئه‌های آنان در جامعه نوپای اسلامی، عاقبت مسلمین بر آنان فائق آمدند و قدرت و ثروت ایشان راهی از پیش نبرد و با تشکیل و قدرتمندی حکومت مسلمانان، تفکر خود برتر بینی و خودکامگی آنان نابود گردید.^{۳۶}

قرآن کریم از برخی کارشکنیهای مشرکین و منافقین در برابر مسلمین یاد می‌کند: ﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُسُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾ ﴿يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ



مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿منافقون: ۸-۷﴾؛ آنان کسانی‌اند که می‌گویند: «به کسانی که نزد پیامبر خداوند انفاق مکنید تا پراکنده شوند و حال آنکه گنجینه‌های آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند. می‌گویند: «اگر به مدینه برگردیم، قطعاً آنکه عزتمندتر است آن زبون‌تر را از آنجا بیرون خواهد کرد.» و [لی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است؛ لیکن این دورویان نمی‌دانند.

۳. برچیدن تبعیض گرای، انحصار طلبی و امتیاز خواهی:

تبعیض گرای و انحصار طلبی از دیگر معضلات اجتماعی است که زمینه رشد نفاق را در جامعه فراهم می‌آورد. با برچیدن و از بین بردن آن، تاحدودی بستر رشد نفاق از بین خواهد رفت. منافقین، همواره خودشان را از دیگران برتر دیده و خواستار موقعیتهای ویژه اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند. منشا این معضل غرور، تکبر، زیاده خواهی و انحصار طلبی آنان است. آنان خود را عاقل و هوشیار و مومنان را سفیه و ساده لوح و خوش باور می‌پندارند. قرآن کریم در برابر این ادعا می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۱۳) و چون به آنان گفته شود: «همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید»، می‌گویند: «آیا همان گونه که کم‌خردان ایمان آورده‌اند، ایمان بیاوریم؟» هشدار که آنان همان کم‌خردانند؛ ولی نمی‌دانند.

ب) راهکارهای درمان انحرافات جنسی در اجتماع:

قرآن کریم و روایات، برای درمان انحرافات جنسی به عنوان مهمترین بیماری روانی اخلاقی، راهکارهایی را بیان می‌نماید. اینک به مهمترین راهکارها اشاره می‌نمایم:

۱. تربیت جنسی:

یکی از مهمترین راههای تامین بهداشت روان در برابر انحرافات جنسی در جامعه، تربیت جنسی است چراکه انسان دارای ابعاد جسمی و روحی است و به لحاظ تاثیر و اثر متقابل این ابعاد از یکدیگر، تربیت او نیز باید همه جانبه و در عین حال هماهنگ باشد. دوران کودکی، پایه‌های اساسی ساختمان شخصیت انسان شکل می‌گیرد و دوره نوجوانی به بعد زمان تثبیت شخصیت انسان است. متولیان امر تربیت در جامعه بخصوص والدین باید برای تربیت فرزند خویش از کودکی سرمایه گذاری نمایند امام علی علیه السلام با توجه به این مهم، در وصیت خویش به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: همانا قلب نوجوان مانند زمین خالی از کشت و زرع است که هر آنچه در آن بریزی قبول می‌کند. از این روجه تربیت و تادیب توافدام کردم قبل از اینکه قلب تو سخت شود (و شخصیت تو شکل بگیرد) و فکر و اندیشه‌ات به چیزی غیر از آنچه به خیر و صلاح توست مشغول گردد. با توجه به این قسمت از وصیتنامه امام علی علیه السلام، تربیت پذیری انسان و شکل‌گیری شخصیت انسان در سنین کودکی و نوجوانی روشن می‌شود.

اگر تربیت بخواهد به صورت جامع و کامل پیاده شود، باید تربیت جنسی را به عنوان حلقه‌ای از حلقه‌های آن به حساب آورد و حتی با توجه به اینکه مسائل جنسی به صورت چشمگیری سایر ابعاد را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند، توجه به امر تربیت در این زمینه، ضروری تر به نظر می‌رسد.

۲. نقش ازدواج در تامین بهداشت روانی:

ازدواج، یکی از مهمترین راهکارهای قرآن در موضوع بهداشت روانی اخلاقی است. با وجود ازدواج، بیماری انحرافات جنسی تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد و آشفته‌گی روحی حاصل از آن در اجتماع از بین می‌رود.



فطرت و طبیعت انسان، احساس نیاز به آسایش، آرامش جسمی و روحی و انس و مودت دارد و یکی از مهمترین راهکارهای نیل به آرامش و آسایش، امر ازدواج است. ازدواج نه تنها موجب آرامش و امنیت خاطر فرد می‌گردد، بلکه پوچ‌گرایی، بیهودگی و احساس تنهایی را در افراد از بین برده و پناهگاه عاطفی و روانی خاصی را برای ایشان فراهم می‌آورد.

این نیاز که در سرشت انسان ریشه دارد، چنان قابل توجه است که آیات و روایات متعددی را به خود اختصاص داده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّهَا حَمَلًا خَفِيًّا فَامْرَأَتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبُّهَا لَنْ يَأْتِيَنَّا صَالِحًا لَنْكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ (اعراف: ۱۸۹)؛ او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود» و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

مصونیت از گناه؛ تقویت و تثبیت صفای جنسی:

در اثر ازدواج غریزه جنسی که یکی از قوی‌ترین غرائز انسانی است در مسیر طبیعی خود قرار می‌گیرد^{۳۷} و این پدیده موجب می‌گردد تا انسان از گناهی که به خاطر میل جنسی انجام می‌دهد تا حد زیادی مصون بماند و هیچ‌گاه دامن خود را به روابط



نامشروع جنسی، آلوده نسازد و نسل انسان در جهت انجام وظیفه خلافت بر روی زمین، تداوم و استمرار داشته باشد^{۳۸} و همچنین موجب می‌گردد انسان در مسیر کمال و خودسازی معنوی بیشتر قدم بگذارد. البته واضح است که مسیر طبیعی و فطری غریزه جنسی جز با برقرار شدن ارتباط جنسی با جنس مخالف ارضاء نمی‌شود؛ لکن مسلم است که غریزه جنسی خود به خود راه صحیح ارضاء را به انسان نشان نمی‌دهند؛ مثل گرسنگی که انسان آن را احساس می‌کند و با خوردن برطرف می‌شود، آن را نیز درک می‌کند؛ اما اینکه چه چیز بخورد، دیگر آن را طبیعت گرسنگی بیان نمی‌کند.

قرآن کریم، راههای انحرافی را گوشزد نموده^{۳۹} و اینگونه روشها را باطل شمرده و راهکارهای صحیح را معرفی می‌کند: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ أَلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ (مومنون: ۶-۵)؛ و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند.

رشد و شکوفایی عوامل معنوی:

گرچه برخی ادیان، ملل و قبائل، ازدواج را محدود نموده‌اند؛ ولی ازدواج در فرهنگ اسلامی، نسبت به دیگر ادیان، ملل و قبائل، از انعطاف بیشتری برخوردار است.^{۴۰} ازدواج در اسلام پیوندی مقدس است که موجب حفظ و اکمال دین،^{۴۱} افزایش ثواب عبادت^{۴۲} و به وجود آورنده مودت، رحمت و محبت است. ازدواج، همچنین عاملی مؤثر در حفظ پاکدامنی و طهارت دلهاست و آدمی را از حسیض حیوانیت به کمالات برتر معنوی، سوق می‌دهد. چونان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «من احب ان یلقى الله طاهرا مطهرا فلیتعفف بزوجه؛ هر کس می‌خواهد خدا را در حال پاکیزگی و طهارت ملاقات کند به وسیله ازدواج عفت پیشه سازد»^{۴۳}



تامین سلامت روانی و امنیت اجتماع:

ازدواج و تاسیس کانون خانواده، زمینه جرم و بزهکاری را در جامعه کاهش می‌دهد. آماری که توسط محققان علوم اجتماعی ارائه می‌گردد، مؤید این مطلب است. در تحقیق میدانی که بر ۵۰۰ تن از جوانان انگلستان انجام گرفت، این نتیجه به دست آمد که جوانان پس از ازدواج و تشکیل خانواده، کمتر به انجام اعمال مجرمانه روی می‌آورند و خلاف کاری و جرم در آنان کاهش می‌یابد و در مقابل، افرادی که مبادرت به ازدواج نورزیده‌اند، به اعمال خلاف و بزه کاری اجتماعی، بیشتر روی می‌آوردند و زمینه کارهای ناهنجار در آنان بیشتر است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «واکثروا اهل النار العزاب؛ بیشتر اهل جهنم، مجردین هستند»^{۴۴} این حدیث شریف به روشنی دلالت می‌کند بر اینکه گناه و ناهنجاری در میان افرادی که ازدواج ننموده‌اند، بیشتر است.

ج) نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف:

سیمای حقیقی حجاب، حضور در لباسی است که زن با مدد آن بتواند بدون آسیبهای اجتماعی و روحی به انجام وظایف دینی و اجتماعی خود همت گمارد. دلایل عقلی برای فوائد و آثار حجاب و عفاف فراوان است و در متون دینی نیز نقل‌ها و روایات معتبر بسیاری برای بیان کم و کیف این آثار و فواید حجاب و عفاف موجود است که از آن جمله می‌توان امنیت اجتماعی، تعالی معنوی، سلامت روحی و بهداشت جنسی، آرامش و استحکام خانواده را برشمرد.

حجاب ضمن تاثیر بر سلامت اخلاقی جامعه، پاکي و طهارت و ارتقای شخصیت زن، نه تنها مانع آزادی او نمی‌شود، بلکه به او نقش دفاعی در برابر آسیبهای فردی و اجتماعی می‌بخشد.



هرچه گرایش جامعه به حجاب شدت یابد، از مفاسد اخلاقی و اجتماعی^{۴۵} و بسیاری از ناهنجاریهای روحی - رفتاری^{۴۶} کاسته می‌شود. حجاب زن، به نص قرآن کریم، عفاف اوست و عفاف او، خدمتی است به سلامت جامعه.^{۴۷}

نتیجه گیری:

قرآن کریم و روایات برای درمان بیماری نفاق و انحرافات جنسی در اجتماع، راهکارهایی را بیان نموده است. در بحث نفاق، قسمتی از این راهکارها - طبق روایات - مربوط به وظایف حاکم شرع است و بخشی دیگر مربوط به مردم، می‌شود. چون یکی از مهمترین زمینه‌های پرورش نفاق در اجتماع، طبقه گرایی و اشرافیت، تبعیض گرایی، انحصار طلبی و امتیاز خواهی است، قرآن کریم و روایات، رهنمودهایی جهت مقابله و برچیدن با این معضلات دارد.

قرآن کریم و روایات برای درمان انحرافات جنسی راهکارهای موثری، مطرح نموده است. که در این بخش، به سه راهکار اشاره شده و به بررسی آنان پرداخته شده است. آن سه عبارتند از: الف) تربیت جنسی ب) ازدواج ج) حجاب و پوشش.



پی نوشت‌ها:

۱. صناعی، سیدمهدی، بهداشت روان در اسلام، ص ۲۲.
۲. محقق اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن، ص ۸.
۳. نک؛ نساء: ۱۴۲.
۴. قبلان، عبد الامیر، المنافقون فی القرآن، ص ۱۰-۱۱.
۵. نک؛ مدرسی، محمد تقی، کلی نواجه النفاق، ص ۳۰-۳۱.
۶. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۱۷۹.
۷. آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الحکم، ۸۸۵۳.
۸. بقره: ۲۰۵؛ نک؛ طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۹۶-۹۷.
۹. خاتمی، سید احمد، سیمای نفاق در قرآن، ص ۱۲۱.
۱۰. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷.
۱۱. نک؛ فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۸، ص ۳۵۲؛ سید بن قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۲۸۸.
۱۲. نک؛ طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۴۰-۳۴۱.
۱۳. یوسفی غروی، محمد هادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ج ۳، ص ۳۲۰.
۱۴. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۶۸.
۱۵. یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعه التاریخ الاسلامی، ج ۲، ص ۳۶۶.
۱۶. نک؛ زرکشی، محمد بن بهادر بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۴۹؛ عاملی، جعفر مرتضی، حقائق هامه حول القرآن الکریم، ص ۸۲؛ عسکری، مرتضی، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۱۳؛ حکیم، سید محمد باقر، علوم القرآن، ص ۲۲؛ رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ۲۴۰-۲۴۹؛ عتر، نورالدین، علوم القرآن الکریم، ص ۲۴؛ زرقانی، محمد عظیم، مناهل العرفان فی علوم قرآن، ج ۱، ص ۲۴۰.
۱۷. نک؛ بقره: ۱۰۶-۱۰۷؛ انعام: ۴۴؛ یونس: ۱۴؛ حدید: ۷؛ نور: ۳۴.
۱۸. نک؛ قیانچی، سید علی، رساله حقوق علی بن الحسین، ج ۱، ص ۴۵۷.
۱۹. هاشمی الخویی، حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۳.



۲۰. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۷۹.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۷۹، ص ۶۷.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۷۹، ص ۶۷.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۷۹، ص ۶۴.
۲۴. نک: مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین، ج ۱۰، ص ۶۰.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۷۹، ص ۷۲.
۲۶. نک: شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، ۲۰۴.
۲۷. نک: دبس، موریس، بلوغ، ۶۰؛ مصباح، علی ودیگران، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۹۸؛ گروهی از نویسندگان، روانشناسی رشد، ص ۲۳-۲۵؛ مالدینوسکی، برانیسلاو، میل جنسی و فرونشانی آن در جوامع نامتمدن، مقدمه.
۲۸. موسسه پژوهشی-فرهنگی اشراق، ص ۱۷-۱۸.
۲۹. دبس، موریس، بلوغ، ص ۶۲.
۳۰. نک: بیابانگرد، اسماعیل، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، ص ۱۲۱.
۳۱. زاگو، بل، قدرت اراده، ص ۸۰-۸۱.
۳۲. شاکرین، حمیدرضا و همکاران، پرسشها و پاسخهای برگزیده، ص ۲۲۸.
۳۳. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۲۷.
۳۴. نک: توبه: ۷۲؛ مائده: ۳۳؛ اسراء: ۷۲.
۳۵. حسینی، سید محمد، دو چهره گان(نفاق، آفت دین و اجتماع)، ص ۱۶۲.
۳۶. نک: سید بن قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴۵، ۱؛ نک: مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۶۲-۱۶۴.
۳۷. نک: فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی، ۲۰؛ سیاسی، علی اکبر، نظریه‌های مربوط به شخصیت، ج ۱، ص ۳۸۶.
۳۸. نک: هوشیم، محمود، اسلام و روانشناسی، ص ۳۳۱.
۳۹. ر.ک: اعراف: ۸۰-۸۱.



۴۰. نک: متز، آدام، تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم، ج ۱، ص ۷۴؛ بدران، ابوالعینین، العلاقات الاجتماعیه بین المسلمین و غیر المسلمین، ص ۵۲.
۴۱. نک: حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، ۱۴۰۳: ج ۲۰، ص ۱۷؛ تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۰.
۴۲. نک: حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، ج ۱۸، ص ۲۰.
۴۳. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.
۴۴. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، ج ۲۰، ص ۲۰.
۴۵. نک: مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، ص ۱۶۸.
۴۶. نک: محلوجی، محمد، نهاد خانواده در اسلام، ص ۱۳.
۴۷. نک: مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ص ۴۵.



منابع:

قرآن کریم.

۱. آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶.
۲. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر، بی تا.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
۴. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، قاهره، المطبعه السلفیه، ۱۳۸۰.
۵. بدران، ابوالعینین، العلاقات الاجتماعیه بین المسلمین و غیر المسلمین، بیروت، دارالنهضه، ۱۹۶۸.
۶. بیابانگرد، اسماعیل، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸.
۷. تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۵.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح و تحقیق: عبد الرحیم ربانی شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳.
۹. حسینی، سید محمد، دو چهره گان (نفاق، آفت دین و اجتماع)، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۰. حکیم، سید محمد باقر، علوم القرآن، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۳۶۲.
۱۱. حلی (ابن ادریس)، محمد بن احمد، النوادر (مستطرفات السرائر)، تحقیق: موسسه الامام المهدی عیج الله تعالی فرجه الشریف، قم، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۸.
۱۲. خاتمی، سید احمد، سیمای نفاق در قرآن، قم، شفق، ۱۳۷۹.
۱۳. دبس، موریس، بلوغ، ترجمه حسن صفاری، تهران، علمی، ۱۳۳۵.
۱۴. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲.
۱۵. رشید پور، مجید، تعادل و استحکام خانواده، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸.
۱۶. زرقانی، محمد عظیم، مناهل العرفان فی علوم قرآن، قاهره، دارابن عفان، ۱۴۲۲.



۱۷. زرکشی، محمد بن بهادر بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: عبدالرحمان مرعشلی و حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰.
۱۸. ژاگو، پل، قدرت اراده، ترجمه کاظم عبادی، تهران، معرفت، بی تا.
۱۹. سادات، محمد علی، اخلاق اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۶۸.
۲۰. سیاسی، علی اکبر، نظریه‌های مربوط به شخصیت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
۲۱. سید بن قطب، فی ظلال القرآن، بیروت قاهره، دار الشروق، ۱۴۱۲.
۲۲. شاکرین، حمیدرضا و همکاران، پرسش‌ها و پاسخ‌های برگزیده، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.
۲۳. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، تربیت، ۱۳۷۶.
۲۴. شعاری نژاد، علی اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۵.
۲۵. شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۲۶. شیرازی، عبد الکریم، مظلومیت زن در طول تاریخ، ترجمه لاله بختیاری و محمد حسن تیراثیان، بی جا، ۱۳۶۴.
۲۷. صاعی، سیدمهدی، بهداشت روان در اسلام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمد حسین، سنن النبی، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۴۰۹.
۲۹. _____، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
۳۰. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، موسسه الاعلمی، بی تا.
۳۱. عاملی، جعفر مرتضی، حقائق هامه حول القرآن الکریم، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰.
۳۲. عتر، نورالدین، علوم القرآن الکریم، دمشق، دارالخیر، ۱۴۱۴.
۳۳. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۵.
۳۴. فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، بدر، ۱۳۶۳.



۳۵. فرهادیان، رضا، پایه‌های اساسی ساختار شخصیت انسان در تعلیم و تربیت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۶. فضل‌الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعه و النشر، ۱۴۱۹.
۳۷. فلسفی، محمد تقی، بزرگسالان و جوان، تهران، هیات نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۲.
۳۸. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، تهران، فیض الاسلام، ۱۳۲۸.
۳۹. قائمی، علی، خانواده و مسائل همسران جوان، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۸.
۴۰. قبلان، عبد الامیر، المناقون فی القرآن، نجف، مطبعه النعمان، ۱۳۰۸.
۴۱. قبانچی، سید علی، رساله حقوق علی بن الحسین، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱.
۴۲. کاردان، علی محمد، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۶۸.
۴۳. کجیاف، محمدباقر، روانشناسی رفتار جنسی، تهران، نشر روان، بی تا.
۴۴. کوفی، محمد بن اشعث، الجعفریات، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
۴۵. گروهی از نویسندگان، روانشناسی رشد، ترجمه رحمانیان، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۷.
۴۶. مالینووسکی، برانیسلاو، میل جنسی و فرونشانی آن در جوامع نامتمدن، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۵.
۴۷. متز، آدام، تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تحقیق: محمد باقرالمحمودی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۴۹. مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین، تهران، موسسه کوشانپور، بی تا.
۵۰. محقق اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا.
۵۱. محلوچی، محمد، نهاد خانواده در اسلام، تهران، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۰.
۵۲. محمدی نیا، اسد الله، بهشت جوانان، قم، سبط اکبر، ۱۳۷۹.
۵۳. مدرسی، محمد تقی، کلی نواجه النفاق، تهران، دار محیی الحسین، ۱۳۷۸.



۵۴. مشایخی، مهدی، پاسداران عفت، قم، شفق، ۱۳۵۲.
۵۵. مصباح، علی و دیگران، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴.
۵۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، انتشارات بنگاه نشر و ترجمه، ۱۳۶۰.
۵۷. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۲.
۵۸. مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، قم، اخلاق، ۱۳۷۴.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۶۰. موسسه پژوهشی فرهنگی اشراق، خود ارضایی یا ارضای انحراف جنسی، بابل، بعثت، ۱۳۷۹.
۶۱. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۶۲. هاشمی الخویی، حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، قم، دارالعلم، بی تا.
۶۳. هویشم، محمود، اسلام و روانشناسی، ترجمه محمود بستانی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۲.
۶۴. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.
۶۵. یوسفی غروی، محمد هادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه حسینعلی عربی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
۶۶. _____، موسوعه التاریخ الاسلامی، قم، مجمع الفکر اسلامی، ۱۴۱۷.

